

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## سبک زندگی امام موسی کاظم(ع)

امام موسی کاظم(ع) اسوه فضایل است. ایشان با آن که عمری را در زندان حاکمان غاصب عباسی بود و در همان جا به شهادت رسید، ولی کوثر خاندان پیامبر(ص) در میان مردان است و بسیاری از سادات به این وجود نازنین و با برکت باز می گردند. ایشان در سیره و سبک زندگی شخصی و اجتماعی و خانوادگی سرمشق همه انسان ها است. نویسنده بر آن است تا گوشه هایی از سبک زندگی ایشان را بر اساس سیره آن حضرت(ع) تبیین نماید.

## ویژگیهای نفسانی و رفتارهای شخصی امام علیه السلام

ویژگی های نفسانی و فضایل و رفتارهای شخصی ایشان بیان گر شخصیت و شاکله وجودی ایشان است. (اسراء، آیه ۸۴) انسانی که بخواهد در مسیر کمالی قرار گیرد باید این خصوصیات را بشناسد و در خود ظهور و فعلیت بخشد و به عنوان تجلیگاه آن در آید. در این جا به برخی از این ویژگی ها و خصوصیات اشاره می شود.

### ۱. بنده صالح خدا

در آموزه های قرآنی برترین مقام انسانیت مقام بندگی و عبودیت است. این گونه است که خداوند پیامبرش را به دو صفت عظیم «عبده و رسوله» می ستاید؛ زیرا انسان به هر جایی که می خواهد تنها با عبودیت است می رسد. در آیات قرآنی نه تنها عبودیت فلسفه و هدف آفرینش و خلقت انسان و جنیان دانسته شده (ذاریات، آیه ۵۶) بلکه تنها راه رسیدن به تقوا و یقین و مراتب خدایی و ربانی شدن نیز عبودیت است که صراط مستقیم انسانیت است. (بقره، آیات ۲۱ و ۶۳ و ۱۷۹ و ۱۸۳ و ۱۳۸؛ آل عمران، آیه ۷۹؛ حجر، آیه ۹۹)

کسی که این راه مستقیم را بپیماید به مقام عبد صالح می رسد که آرزوی پیامبران است؛ چنان که حضرت ابراهیم (ع) می فرماید: رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقِّنِي بِالصَّالِحِينَ؛ ای پروردگار من ، مرا حکمت بخش و مرا

به شایستگان بپیوند. (شعراء، آیه ۸۳) هم چنین حضرت یوسف(ع) همین خواسته را از خدایش داشت. (یوسف، آیه ۱۰۱)

شکی نیست که اکمل و اتم بندگان صالح خداوند و مصداق برتر ایشان همان معصومان(ع) هستند که در نهایت وارثان زمین خواهند بود و امام مهدی(ع) از چهاردهمین معصومان این مقام را داشته و وارث زمین خواهد بود، چنان که خداوند در آیه ۱۰۵ انبیاء به این مطلب اشاره داشته و می فرماید: وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان صالح و شایسته ما به ارث خواهند برد. پس این بشارت قرآنی است که دارندگان والاترین مرتبه انسانی که همان «عبودیت» و «صلاح» یعنی «عباد صالح» است، در پایان تاریخ و عصر ظهور وارث زمین و زمان خواهند شد.

با آن که همه اهل بیت(ع) از این مقام عبد صالح برخوردارند ولی به شکل خاص امام موسی کاظم(ع) به این لقب ستوده و مشهور شده است. سبط ابن الجوزی گوید: مَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَبُو الْحَسَنِ الْأَهَاشِمِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ يُدْعَى الْعَبْدَ الصَّالِحَ لِأَجْلِ عِبَادَتِهِ وَاجْتِهَادِهِ وَ قِيَامِهِ بِاللَّيْلِ، وَ كَانَ كَرِيمًا حَلِيمًا إِذَا بَلَغَهُ عَنْ رَجُلٍ أَنَّهُ يُؤْذِيهِ بَعَثَ إِلَيْهِ بِمَالٍ؛ موسی بن جعفر علیهما السلام از خاندان هاشم به خاطر عبادت‌های فراوان و تلاش در راه خدا و شب زنده داری «بنده صالح» خدا نامیده می شد. وی مردی بخشنده و بردبار بود، هرگاه از فردی به او آزار و اذیت می رسید کمک های مالی برایش می فرستاد. (کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۵۰)

## ۲. نماز و عبادت

امام در عبادت خویش به نماز اهمیت ویژه ای می داد و حتی نماز خانه ای در خانه داشت. اِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ می گوید: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِهِ الَّذِي كَانَ يُصَلِّي فِيهِ، فَإِذَا لَيْسَ فِي الْبَيْتِ شَيْءٌ إِلَّا خَصْفَةٌ، وَ سَيْفٌ مُعَلَّقٌ وَ مُصْحَفٌ؛ به اتاقی که امام موسی بن جعفر علیهما السلام در آن نماز می خواند وارد شدم، و در آن اتاق به جز زنبیلی از لیف خرما، و شمشیری آویزان و قرآن چیز دیگری ندیدم. (قرب الاسناد، ص ۳۱۰ ح ۱۲۰۸)

احمد بن عبدالله از پدرش نقل می کند که گفت: دَخَلْتُ عَلَى الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِيعِ وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى سَطْحٍ فَقَالَ لِي: ... وَ قَدْ وَكَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ يَتَرَصَّدُ أَوْقَاتَ الصَّلَاةِ، فَإِذَا أُخْبِرَهُ وَتَبَّ يُصَلِّي مِنْ غَيْرِ تَجْدِيدٍ وَضُوءٍ،

وَ هُوَ دَائِبُهُ؛ به نزد فضل بن ربیع وارد شدم که در پشت بام نشسته بود [و به زندان نگاه می کرد]، به من گفت: نگاه کن بین چه می بینی؟ گفتم لباسی بیش نمی بینم، گفت: او موسی بن جعفر علیه السلام است پیوسته مشغول عبادت است، و کسی را برای اعلام اوقات نماز گماشته است، هنگامی که وقت نماز را به او خبر می دهد برخاسته و بی آنکه تجدید وضو کند، شروع به نماز می کند و این عادت همیشگی اوست. (بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۷)

ثوبانی می گوید: کانت لأبی الحسنِ موسی بن جعفرِ علیهما السلام بضْعَ عشرةَ سنَهٍ كُلَّ یَوْمٍ سَجْدَةٌ بَعْدَ ابِیضَاضِ الشَّمْسِ إِلَى وَقْتِ الزَّوَالِ؛ امام موسی بن جعفر علیهما السلام ده سال و اندی بود که هر روز سجده ای پس از درخشان شدن آفتاب تا هنگام ظهر به جا می آورد. (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۹۵)

عَمَارُ بْنُ أَبَانَ می گوید: کانتُ أُخْتی تَلی خِدْمَتَهُ [موسی بن جعفر علیهما السلام] فَحُکِی لَنَا أَنَّهَا قَالَتْ: کَانَ إِذَا صَلَّى الْعُتْمَةَ حَمِدَ اللَّهَ وَ مَجَّدَهُ وَ دَعَا، فَلَمْ یَزَلْ کَذَلِکَ حَتَّى یَزُولَ اللَّیْلُ، فَإِذَا زَالَ اللَّیْلُ قَامَ یُصَلِّی حَتَّى یُصَلِّی الصُّبْحَ ثُمَّ یَذْکُرُ قَلِیلًا حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ؛ خواهرم خدمتکار امام موسی بن جعفر علیه السلام بود، از او برای ما نقل شده که گفت: امام علیه السلام پیوسته پس از نماز عشاء خدا را حمد می نموده و به بزرگی یاد می کرده و او را می خواند، و دائم در این حال بود، تا نیمی از شب می گذشت، سپس بلند می شد و نماز می خواند تا اینکه نماز صبح را می خواند سپس اندکی ذکر می گفت تا اینکه خورشید طلوع می کرد. (تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۳۱)

الارِبَلِی می گوید: رَوِی أَنَّهُ [موسی بن جعفر علیهما السلام] کَانَ یُصَلِّی نَوَافِلَ اللَّیْلِ وَ یَصَلُّهَا بِصَلَاةِ الصُّبْحِ، ثُمَّ یُعَقِّبُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ یَخِرُّ لِلَّهِ سَاجِدًا، فَلَا یَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ الدُّعَاءِ وَ التَّحْمِیدِ حَتَّى یَقْرُبَ زَوَالُ الشَّمْسِ؛ روایت شده است که امام [موسی بن جعفر علیهما السلام] نماز شب را می خواند و آن را به نماز صبح متصل می کرد، سپس تعقیبات را تا طلوع خورشید ادامه می داد. و صورت خود را جهت سجده بر خدا به زمین می سائید و تا نزدیک زوال آفتاب سرش را از دعا و حمد الهی بر نمی داشت. (کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۲۸)

هم چنین از حفص روایت شده که گفت: ما رأیتُ أَحَدًا أَشَدَّ خَوْفًا عَلَی نَفْسِهِ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ وَ لَا أُرْجِی لِلنَّاسِ مِنْهُ وَ کانتَ قَرَأْتُهُ حُزْنًا فَإِذَا قَرَأَ فَکَأَنَّهُ یُخَاطَبُ إِنْسَانًا؛ کسی را بر خویش

بیمناکتر و برای مردم امیدوارکننده تر از موسی بن جعفر علیه السلام ندیدم. او قرائتی حزن آور داشت وقتی که قرآن می خواند گویا کسی را مخاطب قرار داده است. (کافی، ج ۲، ص ۶۰۶)

هم چنین یونانی می گوید: وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ، وَ كَانَ إِذَا قَرَأَ يَحْزُنُ وَ بَكِي السَّامِعُونَ لِتِلَاوَتِهِ، وَ كَانَ يَبْكِي مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ حَتَّى تَخْضَلَ لِحْيَتُهُ بِالدَّمُوعِ؛ امام موسی بن جعفر علیه السلام خوش صداترین مردم در تلاوت قرآن بود و هر زمان قرآن می خواند غمگین می شد و شنوندگان بر تلاوت او گریه می نمودند. و از ترس خداوند آن قدر گریه می کرد که محاسن مبارکش با اشکهایش خیس می شد. (مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۱۸)

آن حضرت (ع) در ماه رمضان بر آن بود تا نماز بیش تری اقامه کند و از این فرصت ماه مبارک رمضان بهترین و بیش ترین بهره را بر گیرد. از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمود: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَزِيدُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ عِشْرِينَ رُكْعَةً؛ پدرم در دهه آخر ماه رمضان در هر شب بیست رکعت به نمازهای مستحبی شبهای ماه رمضان می افزود. (قرب الاسناد، ص ۲۰۷)

آمادگی برای عبادت حتی پیش از موعد مانند آمادگی برای حضور در نماز جمعه و اعمال آن خود بیانگر آن حضرت (ع) به عبادت است. صدوق علیه الرحمه می گوید: وَ كَانَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَتَهَيَّأُ يَوْمَ الْخَمِيسِ لِلْجُمُعَةِ؛ امام موسی بن جعفر علیهما السلام از روز پنجشنبه خودش را برای [عبادت و نماز] روز جمعه آماده می ساخت [تا در روز جمعه فرصت زیادی، و شادابی بهتری برای عبادت و نماز جمعه داشته باشد]. [من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۱۶ ح ۱۲۲۸]

### ۳. استغفار روزانه

یکی از اعمال بسیار مستحب استغفار است؛ زیرا استغفار هم جلب رحمت و نعمت می کند و هم دفع بلا، نیامده کرده و هم بلا، آمده را رفع می کند. برای همین در هر حالی انسان باید استغفار کند.

إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي الْبَلَادِ می گوید: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَةَ أَلْفٍ مَرَّةً، ثُمَّ قَالَ: خَمْسَةُ أَلْفٍ كَثِيرٌ؟؛ امام هفتم علیه السلام به من فرمودند: «من هر روز پنج هزار بار از خداوند آمرزش می طلبم، سپس [چون تعجب مرا دید] فرمود: مگر پنج هزار استغفار زیاد است؟ (بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۲۸۲ ح ۲۶)

هم چنین السَّيِّدُ بْنُ طَاوُوسٍ رَحِمَهُ اللَّهُ می گوید: ... مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام ... كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهْرِ إِلَى السَّحَرِ بِمُؤَاصَلَةِ الْأَسْتِغْفَارِ؛ امام موسی بن جعفر علیهما السلام، شب را تا سحر بیدار بود و پیوسته طلب آمرزش می نمود. (بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۶ ح ۱۰)

هم چنین ابْنُ شَهْرٍ أَشُوبٍ گوید: وَكَانَ يَدْعُو كَثِيرًا فَيَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَام: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ». وَ يُكْرَرُ ذَلِكَ؛ بیشتر اوقات امام هفتم علیه السلام این دعا را می خواند: «بار الها! راحت و آسانی هنگام مرگ، و بخشایش هنگام حساب از تو می خواهم». و این دعا را تکرار می نمود. (مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۱۸)

#### ۴. سفر حج پیاده

ایشان همانند دیگر امامان (ع) به حج اهتمام داشتند. علی بن جعفر می گوید: خَرَجْنَا مَعَ أَخِي مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَام فِي أَرْبَعِ عُمُرٍ يَمْشِي فِيهَا إِلَى مَكَّةَ بَعِيَالِهِ وَ أَهْلِهِ؛ با برادرم موسی بن جعفر علیهما السلام در چهار [سفر] عمره همراه شدیم، که با خانواده خویش پیاده بسوی مکه حرکت می نمود. (بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۰ ح ۲)

#### ۵. فروبرنده خشم

یکی از مهم ترین صفات انسانی احسان است. دارنده این صفت در مقامات برتر انسانی قرار می گیرد. در آیات قرآنی بارها پیامبران (ع) به این صفت ستوده شده و پاداش‌هایی خاص از سوی خداوند به این دارندگان عنایت شده است. اهل احسان اهل عفو و گذشت هستند و در شرایط سخت و حساس می توانند کاری انجام دهند که بسیاری از مردم عادی از آن ناتوان هستند. از جمله آن که در خشم و غضب خویش را مهار و مدیریت کرده و اجازه نمی دهند تا هیجانات مدیریت نفس آنان را به دست گیرد. از جمله آثار چنین توانایی آن است که خشم خویش را فرو می خورند و اجازه نمی دهند تا خشم آنان را به اشتباه و خطا و گناه بیاندازد و یا بر اساس خشم تصمیم گیری و عمل نمایند. خداوند در قرآن می فرماید: الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ همانان که در فراخی و تنگی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از مردم در می گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد. (آل عمران، آیه ۱۳۴)

از جمله کسانی که به این صفت مشهور و معروف شده، امام موسی کاظم (ع) است. رَبِيعُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ می گوید: كَانَ وَاللَّهِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مِنَ الْمُتَوَسِّمِينَ يَعْلَمُ مَنْ يَقِفُ عَلَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِ وَيَجْحَدُ الْإِمَامَ بَعْدَ مَوْتِهِ، فَكَانَ يَكْظِمُ غَيْظَهُ عَلَيْهِمْ وَلَا يُبْدِي لَهُمْ مَا يَعْرِفُهُ مِنْهُمْ؛ فَسَمِيَ الْكَاطِمُ لِذَلِكَ؛ ربیع پسر عبدالرحمان موسی بن جعفر علیهما السلام از آینده با فراست الهی آگاه بود و از نشانه ها و چهره افراد می دانست چه کسانی پس از وی در امامتش توقّف نموده، و منکر امام بعد از او خواهند شد؛ ولی با این همه خشم خود را از آنها پنهان نمود و آنچه را که از آنان می دانست بر آنان اظهار نمی کرد و به همین جهت «کاظم» یعنی فرو برنده خشم نام گرفت. (عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۳ ح ۱)

در این روایت در حقیقت به فرقه «واقفیه» اشاره می شود که امامت امام علی بن موسی الرضا (ع) را نپذیرفتند و منکر آن شدند و بر حضرت موسی (ع) توقّف کردند. اینان به عنوان یکی از فرقه های شیعی در تاریخ معلون امامان (ع) بودند؛ زیرا در امامت آن حضرت توقّف کرده و به امام بعدی اعتقاد نداشته و برای امامت امام رضا (ع) مانع تراشی می کردند. البته انگیزه برخی از آنان هم مالی و مادی بود تا اموال امام را به امام بعدی ندهند؛ زیرا آنان اموال زیادی از خمس و دیگر وجوهات را به عنوان وکیل امام موسی کاظم (ع) در اختیار داشتند و نمی خواستند آن را در اختیار امام رضا (ع) قرار دهند. به عنوان مثال، هفتاد هزار دینار نزد زیاد بن مروان قندی، سی هزار دینار نزد علی بن ابی حمزه بطائنی و سی هزار دینار و پنج کتیز نزد عثمان ابن عیسی الرواسی مانده بود. امام رضا علیه السلام این اموال را مطالبه نمودند، ولی زیاد بن مروان و علی بن ابی حمزه منکر این اموال شدند و عثمان بن عیسی امامت ولایت امام رضا علیه السلام را با ادعای زنده بودن امام موسی بن جعفر علیه السلام رد کرد. واقفیه گفتند: «حضرت موسی بن جعفر (ع) زنده است و روزی ظهور خواهد کرد.»

به دلیل همین شناخت و مخالفت افراد با امامت امام رضا (ع) بود که امام موسی کاظم (ع) همواره به امامت فرزندش سفارش و اشاره می کرد.

محمد بن اسحاق از پدرش نقل می کند: أَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ لِبَنِيهِ: هَذَا أَخُوكُمْ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَالِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَأَسْأَلُوهُ عَنْ أَدْيَانِكُمْ، وَ احْفَظُوا مَا يَقُولُ لَكُمْ؛ همواره امام موسی بن جعفر علیهما السلام به فرزندانش می فرمود: این برادران علی بن موسی داناترین فرد خاندان

پیامبر صلی الله علیه و آله است، از او مسائل دینی خودتان را بپرسید و آنچه به شما می گوید به خاطر بسپارید و به آن عمل کنید. (کشف الغمّه، ج ۲، ص ۳۱۷)

## ۶. کار و تلاش

خداوند یکی از اهداف خلقت را استعمار و آبادانی زمین (هود، آیه ۶۱) به عنوان خلیفه می داند. پس انسان باید به این مهم توجه داشته باشد. امامان(ع) به عنوان خلیفه های کامل و تام الهی به این مسئولیت قیام می کردند و در مقام خلافت و مظهریت در ربوبیت و پروردگاری به استعمار و آبادانی زمین می پرداختند. آنان هرگز دست از کار و تلاش بر نمی داشتند. حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ بَطَائِنِي، از پدرش ابی حمزه نقل می کند که گفت: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْمَلُ فِي أَرْضٍ قَدْ اسْتَنْقَعَتْ قَدَمَاهُ فِي الْعَرَقِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيْنَ الرَّجَالُ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ قَدْ عَمِلَ بِالْيَدِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي فِي أَرْضِهِ وَمِنْ أَبِي فَقُلْتُ: وَمَنْ هُوَ؟ قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَآبَائِهِمُ السَّلَامُ كُلُّهُمْ كَانُوا قَدْ عَمَلُوا بِأَيْدِيهِمْ وَهُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَالصَّالِحِينَ؛ امام هفتم علیه السلام را در مزرعه ای دیدم که کار می کرد و پاهایش [از شدت کار] خیس عرق بود، عرض کردم، فدایت شوم، کارگران کجا هستند؟ فرمود: ای علی! آنان که بهتر از من و پدرم بودند با دست خود کار کرده اند. عرض کردم: آنان چه کسانی بودند؟ فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان و پدرانم علیهما السلام همگی با دست مبارک خود کار می کردند، و کار کردن از روش پیامبران و جانشینان آنان و افراد صالح می باشد. (بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۱۵ ح ۲۷)

## ۷. پرهیز از انگشت نمایی

یکی از آموزه های و حیانی اسلام این است که انسان نباید در جامعه انگشت نما شود و مردم به سبب لباس و مو و شکل و ظاهر غیر طبیعی متوجه او شوند. از همین روست که در احکام اسلامی از لباس شهرت اجتناب داده شده و پوشیدن لباس شهرت حرام است. یعنی هر نوع لباسی که توجه ها را جلب کند و سبب انگشت نما شدن گردد، «لباس شهرت» است. از امام موسی بن جعفر علیهما السلام نقل شده که فرمود: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنْ لَبْسِ الثَّوْبِ الْمَشْهُورِ، وَ كَانَ يَأْمُرُ بِاللَّثْوْبِ الْجَدِيدِ فَيَغْتَمِسُ فِي الْمَاءِ فَيَلْبَسُهُ؛ هیچ چیزی در نزد وی بدتر از پوشیدن لباس شهرت «لباسی که

بواسطه آن انسان انگشت نما می گردد» نبود «و برای گریز از انگشت نما شدن» هر وقت لباس تازه می آوردند دستور می داد آن را بشویند و سپس می پوشید. (بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۳۱۳ ح ۲۵)

شاید شستن لباس تازه و سپس پوشیدن، برای آن بوده که آن حالت تازگی را که سبب جلب توجه دیگران می شده و جامه را لباس شهرت می ساخته است، از بین برود و عادی گردد.

## ۸. اهتمام بهداشت و تغذیه سالم

در سیره معصومان(ع) اهتمام به بهداشت و تغذیه سالم بسیار نقل شده است. آنان به نظافت و بهداشت محیط و بدن و مانند آن ها توجه داشتند. مُرَازِمِ می گوید: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَضَّأَ قَبْلَ الطَّعَامِ لَمْ يَمْسَسْ الْمِنْدِيلَ، وَإِذَا تَوَضَّأَ بَعْدَ الطَّعَامِ مَسَّ الْمِنْدِيلَ؛ از مرزم روایت شده که من امام هفتم علیه السلام را دیدم هر وقت قبل از غذا دستهایش را می شست با حوله خشک نمی کرد ولی اگر بعد از غذا آنها را می شست با حوله خشک می کرد.

هم چنین روایت است که ایشان بر سر سفره بی سبزی نمی نشست و همواره خواستار آن بود که در سر سفره سبزی خوردن باشد؛ زیرا خوردن سبزیجات بسیار مفید است و امامان دیگر هم به آن اهمیت می دادند و سعی می کردند در سفره آنان سبزی وجود داشته باشد، چون هم مایه طراوت است، هم خواص بسیار دارد.

موفق مدینی از پدرش و او هم از جدش نقل نموده: بَعَثَ إِلَيَّ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فَأَجْلَسَنِي لِلْغَدَائِ، فَلَمَّا جَاءُوا بِالْمَائِدَةِ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا بَقْلٌ، فَأَمْسَكَ يَدَهُ، ثُمَّ قَالَ لِلْغُلَامِ: أَمَا عَلِمْتَ أَنِّي لَا أَكَلُّ عَلَى مَائِدَةٍ لَيْسَ فِيهَا خُضْرَةٌ فَأَتِنِي بِالْخُضْرَةِ قَالَ: فَذَهَبَ الْغُلَامُ، فَجَاءَ بِالْبَقْلِ، فَأَلْقَاهُ عَلَى الْمَائِدَةِ فَمَدَّ يَدَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَكَلَ؛ روزی امام هفتم علیه السلام کسی را دنبال من فرستاد، مرا بر سر سفره غذا نشانند، وقتی سفره را آوردند، در آن سبزی نبود، امام علیه السلام دست نگه داشته و به غلام خود فرمود: آیا نمی دانی من سفره ای که سبزی نداشته باشد از آن نمی خورم، برایم سبزی بیاور. می گوید: غلام برخاست و سبزی را آورده بر سفره نهاد و امام علیه السلام دستش را دراز کرد و شروع به خوردن نمود. (عوالم، ج ۲۱، ص ۲۰۶ ح ۳)

سلیمان جعفری نیز می گوید: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَدْعُ الْعِشَاءَ وَ لَوْ كَعَكَّةَ وَ كَانَ يَقُولُ: إِنَّهُ قُوَّةٌ لِلْجِسْمِ؛

امام موسی بن جعفر علیهما السلام هیچ وقت غذای شب را اگر چه کلوچه ای هم بود ترک نمی کرد و می فرمود: که آن نیروی جسم است. (محاسن برقی، ج ۲، ص ۱۹۸ ح ۱۵۸۰)

أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوَفَّقِ الْمَدِينِيِّ از پدرش نقل می کند که گفت: بَعَثَ إِلَيَّ الْأَمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فَأَكَلْتُ عِنْدَهُ وَ أَكْثَرَ مِنَ الْحَلْوَاءِ، فَقُلْتُ: مَا أَكْثَرَ هَذِهِ الْحَلْوَاءِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا وَ شِيعَتَنَا خُلِقْنَا مِنَ الْحَلْوَاءِ، فَتَحْنُ نُحِبُّ الْحَلْوَاءَ؛ روزی امام هفتم کسی را دنبال من فرستاد، (و با او سر یک سفره حاضر شدم) و با او غذا خوردم و دیدم امام علیه السلام زیاد حلوا خورد عرض کردم چقدر از این حلوا میل می فرمائید، امام علیه السلام فرمود: ما و شیعیانمان از حلوات و شیرینی آفریده شده ایم و ما شیرینی را دوست داریم.

نیاز بدن به مواد قندی به خصوص اگر طبیعی باشد، روشن است. علاقه به حلوا و شیرینی جات، در سیره امامان دیگر هم آمده است. شیرینی خیلی سریع جذب بدن می شود. از این رو افطار به خرما برای روزه دار توصیه شده است.

افطار امام علیه السلام نیز جالب است. خَالِدِ بْنِ نَجِيحِ می گوید: كُنْتُ أَفْطِرُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، فَمَعَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَكَانَ أَوَّلُ مَا يُوتَى بِهِ قِصْعَةٌ مِنْ تَرِيدٍ خَلٌّ وَ زَيْتٍ، فَكَانَ أَوَّلُ مَا يَتَنَاوَلُ مِنْهُ ثَلَاثَ لَقَمٍ، ثُمَّ يُوتَى بِالْجَفْنَةِ؛ من همراه امام صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام در ماه رمضان افطار می نمودم، اوّل چیزی که سر سفره افطار آورده می شد کاسه ترید سرکه و زیتون بود که امام علیه السلام ابتدا از آن سه لقمه میل می نمود، سپس کاسه [بزرگی که غذای آماده برای عموم در آن بود] آورده می شد. (محاسن برقی، ج ۲، ص ۲۷۸ ح ۱۸۹۵)

## ۹. احیای فرهنگ عاشورا

بزرگداشت عاشورا برای احیای فرهنگ عاشورا در میان افراد جامعه و تقویت روحیه مبارزه علیه ظلم حاکمان و طواغیت و امر به معروف و نهی از منکر از جمله کارهایی است که همه امامان (ع) بدان اهتمام داشتند. امام موسی کاظم (ع) نیز این رویه و شیوه را در زندگی خود داشته است. بزرگداشت عاشورا در آموزش های ائمه، برای زنده نگه داشتن آن حادثه بود، تا فراموش نشود و در دوران های بعد، اثرگذار و بیدارگر و الهام بخش باقی بماند.

امام رضا علیه السلام فرموده است: کان اَبی صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا یُرَى ضَاحِکًا، وَ کَانَتْ کَآبَتُهُ تَغْلِبُ عَلَیْهِ حَتَّى یَمْضِیَ مِنْهُ عَشْرَةٌ أَیَّامٍ فَإِذَا كَانَ یَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِکَ الْیَوْمَ، یَوْمَ مُصِیْبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُکَايَتِهِ وَ یَقُولُ: هَذَا الْیَوْمُ الَّذِی قُتِلَ فِیهِ الْحُسَیْنُ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ؛ پدرم درود خدا بر او باد، وقتی که ماه محرم می‌رسید، دیگر خندان دیده نمی‌شد، بلکه تا روز دهم همواره اندوهگین و غمناک بود، و چون روز دهم فرا می‌رسید آن روز، روز عزا و غم و اندوه و گریه او می‌شد و می‌فرمود: این همان روزی است که امام حسین علیه السلام در آن به شهادت رسید. (اقبال الاعمال، ص ۵۴۴)

### رفتار اجتماعی امام علیه السلام

امام موسی کاظم (ع) در رفتار اجتماعی بر آن بود تا جلوه های سبک زندگی قرآنی را به نمایش گذارد. برخی از موضوعاتی که امام در سبک زندگی اجتماعی خود مراعات می‌کردند، عبارتند از:

#### ۱. برخورد امام علیه السلام با بدان

گفتیم که یکی از صفات امام موسی کاظم (ع) صفت احسان و کظم الغیظ بود. ایشان نه تنها در مقام احسان این گونه رفتار می‌کرد بلکه در مقام اکرام از بدی و زشتی افراد گذشته و حتی خدماتی را نسبت به آنان انجام می‌داد و بدی آنان را به خوبی پاسخ می‌داد. (فرقان، آیه ۷۲)

ابن اثیر می‌گوید: کان [مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَیْهِمَا السَّلَام] یُلَقَّبُ بِالْكَاطِمِ، لِأَنَّهُ كَانَ یُحْسِنُ إِلَى مَنْ یُسِیءُ إِلَیْهِ کان هذا عَادَتَهُ أَبَدًا؛ امام موسی بن جعفر علیهما السلام بدان جهت کاظم (فرو برنده غضب) نام گرفت، که همواره به کسانی که به او بدی می‌نمودند، نیکی می‌نمود، این سیره و عادت همیشگی وی بود. (کامل ابن اثیر، ج ۶، ص ۱۶۴)

یحیی بن حسن می‌گوید: کان مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَیْهِمَا السَّلَام إِذَا بَلَغَهُ عَنِ الرَّجُلِ مَا یُکْرَهُ، بَعَثَ إِلَیْهِ بَصْرَهُ دَنَانِیرًا، فَكَانَتْ صُرَارَةً مَا بَیْنَ الثَّلَاثِمَائِهِ إِلَى الْمِائَتِینِ دِینَارًا، فَكَانَتْ صُرَارًا مُوسَى مَثَلًا؛ وقتی از شخصی به امام موسی بن جعفر علیهما السلام ناراحتی می‌رسید، کیسه ای پر از دینار برای او می‌فرستاد، که در آن کیسه دویست تا سیصد دینار بود. کیسه های امام هفتم علیه السلام زیانزد مردم بود. (مقاتل الطالبین، ص

## ۲. رسیدگی به نیازمندان

اربلی می گوید: وَ كَانَ [مُوسَىٰ بِنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ] أَوْصَلَ النَّاسَ لِأَهْلِهِ وَ رَحِمَهُ، وَ كَانَ يَتَفَقَّدُ فَقْرَاءَ الْمَدِينَةِ فِي اللَّيْلِ فَيَحْمِلُ إِلَيْهِمُ الْعَيْنَ وَالْوَرِقَ وَالذَّقِيقَ وَالتَّمْرَ فَيُوصِلُ ذَلِكَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَعْلَمُونَ مِنْ أَيِّ جَهَةٍ هُوَ؛ [امام موسی بن جعفر علیهما السلام] از مهربانترین مردم به خویشاوندان و نزدیکانش بود، و شبها [به صورت ناشناس] به حال فقرای مدینه رسیدگی می کرد، و برای آنان درهم، دینار، آرد و خرما می رساند و نمی دانستند که این همه بخشش از سوی چه کسی به آنان می رسد. (کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۲۸)

## ۳. منع از احتکار

یکی از مهم ترین شیوه های نادرست اقتصادی، احتکار است که در ظاهر محتکر سود می برد ولی در باطن به سبب ضربه زدن به اقتصاد جامعه خود نیز در بلند مدت زیان می کند. در اصول اقتصاد اسلامی از احتکار نهی شده است. در سبک زندگی امامان (ع) مواردی بیان شده که نشان دهنده مخالفت عملی آنان با هر گونه احتکار است.

مُعْتَبٍ می گوید: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْمُرُنَا إِذَا أُذْرِكْتَ الثَّمْرَةَ أَنْ نُخْرِجَهَا فَنَبِيعَهَا وَ نَشْتَرِيَّ مَعَ الْمُسْلِمِينَ يَوْمًا بِيَوْمٍ؛ امام هفتم علیه السلام هنگام رسیدن میوه ها به ما دستور می داد که آنها را چیده و برای فروش به بازار مسلمانان ببریم و همراه دیگر مسلمانان روزانه خرید کنیم و از انبار کردن آنها پرهیز کنیم. (کافی، ۵، ص ۱۶۶)

## ۴. مشورت با زیر دستان

خداوند به پیامبر (ص) فرمان می دهد تا در امور مهم زندگی اجتماعی با مردم مشورت کند. مشورت با دیگران به معنای بهره گیری از عقول دیگران است.

الْحَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ گوید: كُنَّا عِنْدَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرْنَا أَبَاهُ، فَقَالَ: كَانَ عَقْلُهُ لَا تُوَازِي بِهِ الْعُقُولُ وَ رَبُّمَا شَاوَرَ الْأَسْوَدَ مِنْ سُودَانِهِ، فَقِيلَ لَهُ: تُشَاوِرُ مِثْلَ هَذَا؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَبُّمَا فَتَحَّ عَلَيَّ لِسَانِهِ، قَالَ: فَكَانُوا رَبُّمَا أَشَارُوا عَلَيْهِ بِالشَّيْءِ فَيَعْمَلُ بِهِ فِي الضَّيِّعَةِ وَالبُسْتَانِ؛ ما در خدمت امام رضا علیه السلام بودیم، که از پدرش یاد کردیم، امام فرمود: عقل هیچ عاقلی با او برابری نمی کرد، [ولی با این همه] گاهی از اوقات با یکی از سپاهان خدمتکار خود مشورت می نمود، وقتی به او اعتراض می شد، می فرمود: چه بسا خداوند

متعال مشکلی را با زبان او آسان می کند و گره آن را می گشاید. سپس امام علیه السلام فرمود: بسیار دیده می شد که آنان چیزی را در امور زمین و باغ و بستان به او می گفتند و امام به گفته آنان عمل می کرد. (مکارم اخلاق، ص ۳۳۵)

## ۵. تربیت فرزند

اهتمام به تربیت دیگران به ویژه فرزند از جمله مهم ترین دغدغه های معصومان(ع) بود. آنان روش هایی را برای تربیت کودکان در پیش می گرفتند که بر اساس آموزه های وحیانی قرآن است. از جمله إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْخَطَّابِ گوید: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَبْتَدِيءُ بِالثَّنَاءِ عَلَيَّ إِنَّهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ يُطْرِيهِ وَ يَذْكُرُ مِنْ فَضْلِهِ وَ بَرِّهُ مَا لَا يَذْكُرُ مِنْ غَيْرِهِ كَأَنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَدُلَّ عَلَيْهِ؛ امام موسی بن جعفر علیهما السلام [هنگامی که به محضرش وارد می شدیم] به تعریف فرزند خود علی علیه السلام می پرداخت و او را می ستود و از فضیلت و نیکویی او چنان یاد می کرد که درباره دیگران نمی گفت گویا که می خواست [ما را] به امامت او راهنمایی کند. (بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۸ ح ۱۹)

از سلیمان بن حفص نقل شده که گفت: كَانَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُسَمِّي وَكَلْدَةَ عَلِيًّا الرِّضَا وَ كَانَ يَقُولُ: اذْعُوا لِي وَكَلْدِي الرِّضَا وَ قُلْتُ لَوْ كَلْدِي الرِّضَا، وَ قَالَ لِي وَكَلْدِي الرِّضَا. وَ إِذَا خَاطَبْتُهُ قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ؛ امام موسی بن جعفر علیهما السلام فرزند خود علی را، رضا می نامید و همواره می گفت: فرزندم رضا را پیش من فراخوانید، به فرزندم رضا گفتم، فرزندم رضا به من گفت. و . . . و هر وقت او را خطاب می کرد با کینه اش «ابا الحسن» خطاب می کرد. (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۲ ح ۲)

## ۶. تسلیت به صاحبان عزا

یکی از مهارت های اجتماعی بسیار مفید و سازنده همدلی و همدردی است. این که انسان حال و موقعیت دیگران را درک کند و در شرایطی نیز با او همدردی کند، خیلی مهم و اساسی است و محبت را افزایش و مشکلات و مصیبت ها را کاهش می دهد. در سبک زندگی امام موسی کاظم (ع) آمده است که ایشان به همدلی و همدردی با مصیبت زده می پرداخت.

هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ مِی گوید: رَأَيْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُعْزِي قَبْلَ الدَّفْنِ وَ بَعْدَهُ؛ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَا دِيدِم كَه قَبْلَ اَز دَفْن مِيْت وَ پَس اَز اَن صَاِحْبَان عَزَا رَا سِر سَلَامَتِي وَ تَسْلِيْت مِي دَاَد.  
(تهذيب، ۱، ۴۶۳ ح ۱۵۶۳)

## ۷. توصیه به دعا برای دیگران

در روایات و آیات توصیه شده که برای دیگران دعا بکنید و خیر بخواهید. التماس دعا مهم شمرده شده است؛ زیرا دعا از زبانی است که شخص با آن گناه نکرده است و احتمال اجابت چنین دعایی بیش تر است. امام موسی کاظم(ع) نیز توصیه می کرد که از دیگران دعا بخواهید و برای دیگران دعا کنید.

صفوان بن یحیی از امام هفتم علیه السلام نقل کرده که امام علیه السلام می فرمود: مَنْ دَعَا لِامْرَأَةٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ وَ كَلَّ اللَّهُ بِهِ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ مَلَكًا يَدْعُو لَهُ؛ هر کس فردی از زنان و مردان مؤمن و مسلمان را دعا کند، خداوند به شمار هر مؤمن فرشته ای را می گمارد تا بر او دعا کند.  
(اعلام الدین، ص ۳۹۳)